

تقریب تاریخ

این شرح بی نهایت

گناهی که نعمت‌ها را تغییر می‌دهد، تجاوز به حقوق دیگران، گناهی که پشیمانی می‌آورد، قتل و گناهی که گرفتاری ایجاد می‌کند، ظلم است.

امام صادق (ع)

حور عین

دل شکسته من تابه کی حزن باشد
دل‌مشوم ملول عاشقی چنین باشد
هزار بار بگفتم که گوشه گیری دل
ز چشم او که کمین شیوهش باشد
حدیث من نشنیدی به هیچ حال و کسی
که نشنود سخن دوست حالش این باشد
مرادلی است پریشان و چون بود مجموع
دلی که با سر زلف تو هم‌نشین باشد
دل‌م بودی و گر قصد دین کنی سهل است
که را مضایقه با چون تویی به دین باشد
بر آستان تو در یادلی تواند زیست
که در به جای سرکش در آستین باشد
به آرزوی رخت هر گیاه که بعد از من
ز خاک من بمدود دو یاسمین باشد
چو سر خاک بر آرم هنوز چون صبحم
صفا می‌مهر تو تا بنده از حین باشد
مرا که روی تو امروز دیده‌ام فردا
چه انگفت به دیدار حور عین باشد
خیال لعل لب تیر سواد دیده‌من
مصور است چون قشکی که بر نگین باشد
فدای یار کن این جان نازنین سلمان
چه جان عزیز تر از یار نازنین باشد
سلمان ساوجی

رخداد

«اتحاد مجلس انگلستان از سوی البور کرامول و نصب یک آگهی با مضمون «جاره داده می‌شود» روی در این مجلس (۱۶۵۳ میلادی) آغاز جنگ استقلال امریکا با محاصره شهرهای بوستون و ماساچوست از سوی نیروهای بریتانیایی (۱۷۷۵ میلادی) تبعید نا پلئون بناپارت امپراتور فرانسه به جزیره ایل‌پس از شکست از نیروهای متحد اروپایی (۱۸۱۵ میلادی) اعلام اول اردیبهشت به‌عنوان روز سعدی شیرازی از سوی مرکز سعدی شناسی (۱۳۸۱ خورشیدی)

طلوع

«آدولف هیتلر» رهبر حزب ملی سوسیالیست کارگران آلمان (حزب نازی)، صدراعظم آلمان، معروف به پیشوای رایش آلمان بزرگ (۱۸۸۹ میلادی) «خسان میرو» نقاش سبک سورئال و مجسمه‌ساز و سفالگر اسپانیایی، صاحب‌سبکی بر پایه خشونت‌زدگی مدرن (۱۸۹۳ میلادی) «گروه‌الم بروندلاند» بانوی سیاستمدار، پزشک، دیپلمات و نخست‌وزیر سابق نروژ (۱۹۳۹ میلادی)

غروب

«برام استوگر» نویسنده ایرلندی، از نویسندگان برجسته و کلاسیک سبک وحشت-خالق رمان معروف دراکولا (۱۹۱۲ میلادی) «محمد تقی شریعتی» فعال سیاسی مذهبی و پدر دکتر علی شریعتی، موسس کانون نشر حقایق اسلامی، صاحب آثاری چون: آغاز وحی، تفسیر توفین، امامت در نهج البلاغه (۱۳۶۶ خورشیدی) «حمیده خیرآبادی» معروف به نادره و ملقب به مادر سینمای ایران، نقش آفرین در فیلم‌هایی چون: جان‌نشین‌ها، مادر، سایه خیال، بانو (۱۳۸۹ خورشیدی)

قاب کوچک



۱۳۴۸ سال پیش، برابر با بیستم آوریل ۱۸۹۳ میلادی، هارولد لوید، بازیگر و کم‌دیو شهر سینمای جهان در نبر اسکا به دنیا آمد. هارولد لوید به همراه چهار لیل چاپلین و باستر کیتون در مرز محبوب‌ترین کم‌دیوهای دوران فیلم صامت به‌شمار می‌آید. مهر و فخرترین پروستاژ هارولد لوید، مرد جوان خوش‌بین امادست و پهلوتی ای بود که همیشه کمر و زور بر زنده‌ی نگه‌دارنده و اقیانوس و پشتکار خود به موقعیت می‌رسید.

تماشاخانه

می دانم چرا شورشی آواز سر می‌دهد



گالری آب‌انبار از یکم اردیبهشت آثار عکاسی ۲۰ سال گذشته نیوشا توکلیان را با گالری‌های محلی خودآموخته است که از نوجوانی در مطبوعات ایران کار کرده و از سال ۲۰۰۲ رویدادهای بین‌المللی را پوشش داده است. او به‌عنوان عکاس مستند از جنگ‌های منطقه فجا باقی‌مانده و فیلم‌ها عکاسی کرده است. درباره نیوشا توکلیان باید گفت کار حرفه‌ای خود را از سن ۱۶ سالگی در مطبوعات ایران آغاز کرد. آثار او در نمایشگاه‌های هنری و موزه‌های بین‌المللی و بسیاری از جمله موزه ویکتوریا و آلبرت، موزه هنری لوس آنجلس (لاکما)، موزه بریتانیا و موزه هنرهای زیبای بوستون به‌نمایش درآمده است. نیوشا در سال ۲۰۱۴ پنجمین دریافت کننده جایزه عکاسی خبری بنیاد کارمینیک بود و در سال ۲۰۱۵ در رشته جایزه پرسن کلاس شد. توکلیان در سال ۲۰۱۵ به‌عنوان نامزد عضویت در انجمن عکاسان حرفه‌ای آمریکا انتخاب شد. آثار او در نشریات و روزنامه‌های بین‌المللی، نظیر تایمز، نیوزویک، اشترن، فیگارو، کالر، نیویورک تایمز، اسپیکل، لوموندان آر سی هاندلسلاید، مجله نیویورک تایمز، نشنال جئوگرافیک و نیویورک گر به چاپ رسیده است. اما وی محلوی کیورتور و نویسنده ساکن لندن و در حال حاضر مشاور مجموعه آثار مدرن و معاصر ایران در موزه بریتانیا است.

فوکوس

۲۰۹ سال پیش، برابر با بیستم آوریل ۱۸۰۸ میلادی، شارل لوویس ناپلئون بناپارت، در پاریس به دنیا آمد. بناپارت از ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۱ رئیس جمهوری و از ۱۸۵۴ تا ۱۸۷۰ تحت‌عنوان «ناپلئون سوم» مقام امپراتوری فرانسه را بر عهده داشت. نوع سیستم حکومتی که او بنا نهاد به بناپارتیسم مشهور شد.



وقایع تحریریه

۳۰ هزار تومان، حقوق سردبیر!



ياسر نوروزی
روزنامه‌نگار

دیشب یک مقدری محاسبات روزنامه قر و قاطی شده به این نحو که حق‌التحریر مرا ریخته‌اند به حساب سردبیر، حقوق او را به حساب من، سنوات علی را به حساب مجتبی، عیدی مجتبی را به حساب بقال سر کوجهمان و حالا قرار است دست‌جمعی برویم از او شکایت کنیم. از کی؟ بقال! اما راستش امروز که دیدم سه چهار تومنی آمده به حسابم، گفتم دیگر از روزنامه استغفا بدهم، بروم جزایر فارو، یا اصلاً دیگر نیایم. یا این که بروم اتاق امور مالی بگویم: «بخششید خانم! همه‌شو خرج کردم! پس‌ووووف!» چه جرمی‌های مگر قرار است برام بپرد؟ شصت‌ظرف‌های روزنامه؟ هستم تا

ته‌اصلاً پیشنهاد جالبی هم به‌نظرم رسیده که باید حتماً از مدیرمسئول وقت بگیرم بروم مطرح کنم. این که هر ماه به همین ترتیب حقوق را جابه‌جا بریزند. می‌دانید؟ ما که در زندگی سورپرایز ویزه‌ای نداریم. لاقول کمی اتفاقات عجیب‌و غریب‌ر هم اول صبح تجربه کنیم. ملاس راه ببینیم حقوق مدیر مسئول آمده در حسابم یا او ببیند که حق‌التحریر من را به جای حقوق ریخته‌اند به حسابش. چون این ماه یک ستون بیشتر نوشتم و هیچ چیزی هم نباشد، حداقل ۲۰ هزار تومنی هست که بشود با آن پیتر پترون یا قارچ سفارش داد، بچه‌ها هم که سر ماه می‌آیند روزنامه، همه به تقلا می‌افتند ببینند هر کسی چقدر حقوق داشته است. این طوری که هر ماه بدانی چقدر حقوق می‌گیری، خیلی ملال‌آور شده. بنابراین سیستم زردوم را از حقوق کمی همچنان به روزنامه تزریق می‌کنند. از این بهتر؟

فرمانده تا اطلاع ثانوی در تبعید است!

جهان می‌دید، البته در زندانی تنگ و کوچک. در سال‌های اولیه تبعید ناپلئون ملاقات‌کنندگان داشت اما با بیشتر شدن محدودیت‌ها زندگی ناپلئون به سمت انزوا کشیده شد. روزنامه تایمز را چه به فرار کشایی ناپلئون گزارش می‌نوشته بود. مجلس شورای انگلیسی با ناپلئون هم‌دردی می‌کرد. لرد هلندی در طی سخنانی برای باشگاه لردها از آنها درخواست کرد که با زندانیان تا جایی که امکان دارد، با تندی برخورد نکنند. اما هیچ‌کس نمی‌خواست که او دوباره فرار کند. برای همین فرانسوی‌ها او را زیر نظر داشتند و انگلیسی‌ها تعدادی قایق گشتی را در آب‌های اطراف جزیره به نگهبانی گماشته بودند تا از فرار احتمالی ناپلئون بناپارت جلوگیری کنند. او اما تمام عوامل لازم را برای فرار خود در اختیار داشت. هم پول داشت، هم از کمک دوستانی که حاضر بودند جان خود را فدای او کنند، می‌توانست پاره ببرد اما او صبر داشت. آن قدر صبر و شکیبایی به خرج داد که رویای فتح دنیا برایش به پایان رسید، برای همیشه.

۲۰ آوریل (۱۸۱۵)، تبعید ناپلئون بناپارت به جزیره ایل‌پس از شکست از متحدان اروپایی

دعوت

شما بنویسید ما منتشر می‌کنیم

صفحه آخر «شهرود»، در راستای سیاست‌های کلان روزنامه منبسی بر مشارکت هرچه ملموس‌تر مخاطبان روند تهیه محتوا و برقراری یک ارتباط دو سویه میان رسانه و مخاطب، طرح دعوت مخاطبان برای به اشتراک گذاشتن «تجربیات شخصی در حیطه زیست اجتماعی» راه‌اندازی کرد.

این طرح در نخستین گام خود ذیل محورهایی چون زندگی اجتماعی، فعالیت‌های مدنی، آداب معاشرت جمعی و... با طرح موضوعاتی مشخص، مخاطبان روزنامه را به مکتوب کردن تجربیات عینی خود دعوت می‌کند. در حقیقت صفحه آخر روزنامه شهروند تصمیم دارد با اختصاص فضایی مشخص جهت انتشار این مکتوبات، از جایگاه متمکم و حده فاصله گرفته و زمینه مشارکت عملی مخاطبان در روند تولید محتوا را آسان‌تر کند.

صفحه آخر «شهرود» حق خود را برای حک و اصلاح مطالب رسیده محفوظ می‌داند. مخاطبان به شرط خنده‌دار نکردن ارزش‌های عرفی و شرعی حاکم بر جامعه، در طرح دیدگاه‌های خود - هر چند با سلاطین دست‌اندر کاران روزنامه در تضاد باشد - آزاد هستند.

در آینده مطالب منتخب و چاپ شده، توسط روزنامه شهروند در قالب یک کتاب منتشر خواهد شد.

● ● ●

چهارمین دعوت:
سوانح طبیعی و غیر طبیعی!

در پی پایان مهلت سومین دعوت صفحه آخر روزنامه شهروند (با موضوع خاطرات سفر)، در چهارمین دعوت از شما مخاطبان همیشگی صفحه آخر می‌خواهیم خاطره، نکته، داستان و یا هر آنچه که در مواجهه با سوانح طبیعی و غیر طبیعی مثل سیل، زلزله، آتش سوزی، تصادفات جاده‌ای و... تجربه کرده‌اید و فکر می‌کنید برای مخاطبان روزنامه آموزنده، جالب‌خواندنی است، بنویسید و بفرستید تا در همین صفحه‌ها با نام خودتان منتشر کنیم. علاقه‌مندان به مشارکت می‌توانند متن‌های خود (بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ کلمه) را به صورت تایپ شده به آدرس ایمیل صفحه آخر ارسال کنند. مطالب دریافتی در صورت تأیید محتوایی به درج نام نویسنده منتشر شده و پدیدگی است. اولویت انتشار با مطالبی خواهد بود که زودتر دریافت شوند.

afshehahar@shahrvand-newspaper.ir